

مجلس چهارم: آثار و پیامدهای دنیوی گناه

حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا*

اشاره

بی‌تردید، اعمال انسان در عالم هستی و زندگی دنیایی و آخرتی او تأثیر می‌گذارد. کردار نیکش پیامدهای مثبت، و گناهانش آثاری سوء بر زندگانی‌اش دارد؛ زیرا هر رفتاری، در این عالم بازتاب مخصوص خود را خواهد داشت؛ «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ.»^۱ اساساً گناه، دارای آثار وضعی است؛ یعنی بسیاری از گناهان، مکافات‌ی در این جهان دارند. این نوشتار طی دو مقاله، آثار گناه در دنیا و آخرت را بحث خواهد کرد.

واژه‌شناسی گناه

گناه، به معنای بزه، خبط، خطا، سینه، معصیت، منکر، تقصیر، جرم، جنایت و وزر می‌باشد. در حقیقت، گناه، همان انجام کار ناروا و سرپیچی از قانون شرع، عرف و فطرت را گویند. در این میان، دو واژه «ذنب» و «اثم» در فرهنگ اسلامی کاربرد بیشتری دارند. «ذنب» به معنای دُم حیوان، و ذنب به مفهوم گرفتن دُم حیوان است. هر فعلی که عاقبتش وخیم است، آن را ذنب گویند؛ زیرا جزای آن، مانند دُم حیوان در آخر است.^۲ «اثم» نیز نام کارهایی است که انسان را از ثواب باز می‌دارند. به نظر می‌آید که معنای اصلی «اثم»، ضرر باشد.^۳ در فرهنگ قرآنی، «اثم» یعنی هر آن چیزی که دارای ضرر و زیان باشد. در این صورت، به گناه و مطلق کار حرام، از آن

* استاد سطح عالی حوزه علمیه قم، از مبلغان نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. سوره شوری، آیه ۳۰: «هر آسیبی به شما رسد، به سبب اعمالی است که مرتکب شده‌اید.»

۲. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه «ذنب»؛ علی‌اکبر قرشی بنابی، قاموس قرآن، ج ۳، ص ۲۴.

۳. سوره بقره، آیه ۲۱۹.

جهت «اِثم» گفته شده که ضرر است و آدمی را از خیر باز می‌دارد. «اِثم» یعنی گناهکار، و «اِثیم» صیغه مبالغه است. کلمه «اِثم» با سایر مشتقات آن، ۴۸ بار در قرآن به کار رفته است.^۱

اهمیت بحث

اهمیت سخن‌گفتن درباره آثار گناهان، در این است که اگر انسان اطلاعات بیشتری درباره پیامدهای زیان‌بار گناهان در این دنیا داشته باشد، سعی می‌کند از آن اجتناب نماید؛ مثلاً اگر بداند که خودداری از پرداخت زکات موجب کاهش نزولات آسمانی، ترک امر به معروف و نهی از منکر سبب تسلط ستمگران و بدکاران بر سرنوشت مردم، رباخواری مایه ناامنی و تهییج فقرا بر ضد رباخواران می‌شود و همچنین، گناهانی مانند: قطع صله رحم، قسم ناحق و دروغگویی موجب کوتاهی عمر و رسوایی انسان خواهد شد،^۲ بی‌تردید، در رفتار خود تجدید نظر می‌کند.

تفاوت آثار دنیوی و اخروی

از منظر اسلام، تحمل مکافات دنیوی گناهان، برای انسان آسان‌تر از عذاب‌های آخرت است و کیفرهای دنیوی، پاک‌کننده آلودگی گناهان است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «مَا عَقَا اللَّهُ عَنْهُ فِي الدُّنْيَا فَهُوَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يَعُودَ فِيهِ وَ مَا عَاقَبَ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا فَهُوَ أَعْدَلُ مِنْ أَنْ يُنْتَبَى عَلَيْهِ»^۳ هر گناهی را که خداوند در دنیا عفو کند، بزرگ‌تر از آن است که در آخرت انسان را به جهت آن مجازات نماید و گناهانی را که در دنیا به دلیل آن، آدمی را مکافات داده، عادل‌تر از آن است که در آخرت او را دوباره مجازات کند.»

مردی از یاران رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از خانه خویش بیرون آمد. در راه، دختر دلربایی را با لباسی زیبا دید و به دنبال آن دختر نامحرم به راه افتاد و به این نگاه حرام ادامه داد، تا اینکه ناگهان صورتش به دیواری اصابت کرد و به شدت مجروح شد. آن مرد به خود آمد که این آسیب، پیامد کار زشت او بوده است. زود به نزد پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و ماجرا را به عرض حضرت رساند. حضرت فرمود: «خداوند به تو لطف نموده که پیامد گناهت را در این جهان به تو رسانیده است؛ زیرا خدای

۱. علی اکبر قرشی بنابی، قاموس قرآن، ج ۱، ص ۲۴.

۲. شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص ۲۷۰.

۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۴۷، ذیل آیه ۳۰ سوره شوری.

متعال اگر بخواهد کسی را مکافات دهد، پیامد عملش را به قیامت افکند و چون خیر کسی را بخواهد، در این دنیا وی را به عقوبت گناهِش دچار می‌سازد.^۱

شکل‌گیری گناهان جدید

متأسفانه در عصر حاضر، افزون بر گناهان شناخته‌شده، معصیت‌های جدید در جامعه پدید آمده است. گذشته از رواج گناهان کبیره، مانند: تجاوز به حقوق دیگران، رعایت نکردن حق الناس، اختلاط مال حلال و حرام، مسابقه در ثروت‌اندوزی و اشرافی‌گری از راه‌های نامشروع، ترک واجبات و انجام محرمات، ارتباط زن و مرد نامحرم و ده‌ها گناه دیگر، امروزه شاهد معصیت‌های جدیدی هستیم که قبلاً دیده نمی‌شد؛ از جمله: رواج بی‌حیایی در مجامع عمومی به سبک غربی، فیلم‌برداری از خلوت‌های مردم و نشر آن در فضای مجازی، افتخار به روابط نامشروع، مسابقه در رباخواری و حرام‌خوری به سبک جدید و انواع گناهان جنسی که جملگی آثار جدیدی در پی دارند. امام کاظم علیه السلام گناهان جدید را عامل بلاهای جدید معرفی کرده و فرموده: «كَلَّمَا أَخَذَتِ النَّاسُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْمَلُونَ، أَخَذَتِ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْتَدُونَ»^۲ هر زمان که مردم مرتکب گناهانی تازه و بی‌سابقه شوند، خداوند نیز آنان را مبتلا به بلاهای تازه‌ای سازد که فکرش را نمی‌کردند.»

قرآن کریم نیز از گسترش گناه در زمین سخن می‌گوید؛ گناهانی که برخی از آنها با توجه به شرایط زمان به وجود می‌آید: «ظَهَرَ الْفُسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»^۳ فساد، در خشکی و دریا به سبب کارهایی که مردم انجام داده‌اند، آشکار شده است. خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشانند؛ شاید [به سوی حق] بازگردند.»

آثار دنیوی گناه

با توجه به مطالب یادشده، در ادامه به معرفی برخی آثار دنیایی گناه می‌پردازیم:

۱. همان، ذیل آیه ۱۶ سوره هود.

۲. ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۱۰.

۳. سوره روم، آیه ۴۱.

۱. فاسد شدن قلب

اولین اثر گناه در این دنیا، فاسد شدن قلب آدمی است. امام باقر علیه السلام فرمود: «مَا شَيْءٌ أَفْسَدَ لِلْقَلْبِ مِنَ الْخَطِيئَةِ، إِنَّ الْقَلْبَ لِيُوقِعَ الْخَطِيئَةَ فَمَا تَزَالُ بِهِ حَتَّى تَغْلِبَ عَلَيْهِ فَيَصِيرَ أَسْفَلَهُ أَعْلَاهُ وَ أَعْلَاهُ أَسْفَلَهُ»^۱ هیچ چیز قلب آدمی را به قدر گناه فاسد نمی کند. قلب وقتی با گناه آشنا شد، روز به روز بیشتر به آن متمایل می گردد؛ تا جایی که گناه بر آن چیره شود. آن وقت، قلبش زیر و رو و فاسد گردد.»

۲. رسوایی

از دیگر آثار گناهان، رسوایی در دنیاست. اگر شخص از گناهان خود توبه نکند، دیر یا زود خداوند او را رسوا و خوار می کند. امام علی علیه السلام فرمود: «مَنْ تَلَدَّدَ بِمَعَاصِي اللَّهِ أَوْرَثَهُ اللَّهُ ذُلًّا»^۲ هرکس با گناه و از طریق آن لذت جویی کند، خداوند او را خوار و ذلیل می نماید.» به این جهت، حضرت علی علیه السلام می فرماید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ»^۳ خدایا! ببخش آن گناهی را که پرده عصمت را می درد و رسوایم می کند.»

۳. غفلت

از پیامدهای شوم گناه، فراموشی و غفلت است. حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَنْسِيَ بِهِ الْعِلْمَ الَّذِي كَانَ قَدْ عَلِمَهُ»^۴ آدمی مرتکب گناهی می گردد و در اثر آن، علومی که فرا گرفته بوده، فراموش می کند.» امام صادق علیه السلام درباره دروغ فرمود: «إِنَّ مِمَّا أَعَانَ اللَّهُ بِهِ عَلَى الْكُذَّابِينَ النَّسِيَانَ»^۵ از جمله چیزهایی که خداوند با آن دروغ گویان را عقوبت می کند، فراموشی است.»

۱. قلب، در اصطلاح قرآن و حدیث، مرکز ادراکی و عواطف و احساسات انسانی و تجلی گاه اسما و صفات الهی است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «الْقَلْبُ حَرَمُ اللَّهِ فَلَا تُسْكُنُ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ؛ دل، حرم خداست و در حرم خدا، غیر خدا را ساکن نکن.» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۵).

کعبه دل مسکن شیطان مکن پاک کن این خانه که جای خداست (دیوان پروین، تصحیح ولی الله درودیان، ص ۵۰)
۲. شیخ صدوق، آمالی، ص ۳۹۶.

۳. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ش ۳۵۶۵.

۴. طوسی، مصباح المتعبد، ج ۲، ص ۸۴۴.

۵. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۳۷۷.

۶. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۴۱.

۴. کوتاهی عمر

از آثار دنیوی گناه، کاهش عمر و مرگ زودرس است که اهل گناه به آن مبتلا می‌شوند. البته اگر توبه واقعی کرده و به‌راستی از گناهش باز گردد، مسلماً اثر گناه هم از میان می‌رود. امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: «آن‌که بر اثر گناه می‌میرند، از آنها که با مرگ طبیعی از دنیا می‌روند، بیشترند و آن‌که بر اثر نیکوکاری عمر می‌کنند، از آنها که با عمر طبیعی زندگی می‌نمایند، زیادتند.»^۱

امروزه ثابت شده است که منشأ بخش قابل توجهی از بیماری‌های جسمی، عوامل روحی و معنوی هستند و یکی از مهم‌ترین این عوامل، فشارهایی است که بر روح آدمی وارد می‌شود؛ یعنی انسان گناهکار در دادگاه وجدان با مجازات‌های دردناک روحی مواجه می‌گردد و به بیماری یا مرگ دچار می‌شود.

۵. عذاب وجدان

در نهاد انسان، نیرویی است که پس از ارتکاب گناه، آدمی را مورد سرزنش قرار داده، آرامش روحی را از او سلب می‌کند. شکنجه‌های وجدان در شخص گناهکار، گاهی به صورت پشیمانی خودنمایی می‌کند و آن، وقتی است که فرد به حالت یأس عجیبی گرفتار می‌گردد و جنایت خود را غیرقابل جبران می‌داند و در نتیجه، از زندگی ناامید و دچار سقوط می‌شود. قرآن کریم نام نیرویی را که به ملامت انسان می‌پردازد، «نفس لوامه» گذارده و دانشمندان به آن «وجدان اخلاقی» می‌گویند.^۲ قرآن می‌فرماید: «لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ * وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ»^۳ سوگند به روز قیامت، و سوگند به نفس ملامت‌کننده!

میرزا مهدی،^۴ فرزند ارشد آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری رحمته الله علیه در قضیه مشروطه با شیوه پدر

۱. طوسی، امالی، ص ۳۰۵.

۲. هاشم رسولی محلاتی، کیفر گناه و آثار و عواقب خطرناک آن، ج ۲، ص ۱۹۹ - ۲۰۰.

۳. سوره قیامت، آیه ۱ و ۲.

۴. از مرحوم حاج شیخ فضل‌الله نوری نقل شده است که در دوران کودکی مهدی، در نجف اشرف زندگی می‌کردیم. به دلیلی، مادر مهدی نتوانست به فرزندش شیر بدهد و به‌ناچار به جست‌وجوی دایه‌ای برای او برآمدیم. زنی از زنان عرب، دایگی او را به عهده گرفت. پس از پایان دوران شیرخوارگی مهدی، متوجه شدیم این دایه، از زنان ناصبی و از دشمنان اهل بیت علیهم السلام بوده است.

بزرگوارش مخالفت کرد و تابع روشنفکران غرب زده شد. هنگامی که مشروطه خواهان، آن مجتهد فرزانه را برای اعدام به میدان توپخانه آوردند، میرزا مهدی، همنوا با دشمنان دین و روحانیت، در زیر پایِ دار پدر کف می زد و شادی می نمود.

فرخ دین پارسا، یکی از صاحب منصبان ژاندارمری که در میدان توپخانه جهت انتظامات حضور داشته، در این مورد می گوید: «طناب دار، آرام آرام، شیخ فضل الله را بالا برد و او در بالای دار قرار گرفت. او در همان لحظه آخر، از بالای دار نگاه تند و سرزنش آمیزی به پسرش انداخت. سپس، گردش طناب شیخ را به طرف قبله چرخانید و او با مختصر حرکتی، جان داد.

پسر ناخلف با همین نگاه، منقلب شد و همان دم آثار پشیمانی و پریشانی در چهره میرزا مهدی ظاهر شد. او سرگردان و حیران به اطراف می نگرست. از آن میان، سید یعقوب توجهش را جلب کرد به طرف او رفت و خواست به او سخنی بگوید؛ اما سید یعقوب به او اعتنا نکرد و از نزدش دور شد. وجدان خفته این پسر نادان، بر اثر فشار روحی و غلبه عواطف و احساسات بیدار شد؛ ولی [دیگر] چه فایده که کار از کار گذشته بود و پدر مهربان و دلسوز با دلی پُر از غم، از دست رفته بود.»^۱

به قول شهریار تبریزی:

نوش دارویی و بعد از مرگ سهراب آمدی

سنگدل! این زودتر می خواستی، حالا چرا؟^۲

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «ثَلَاثَةٌ مِنَ الذُّنُوبِ تُعَجَّلُ عُقُوبَتُهَا وَلَا تُؤَخَّرُ إِلَى الْآخِرَةِ عُقُوبُ الْوَالِدَيْنِ وَ الْبُغْيُ عَلَى النَّاسِ وَ كُفْرُ الْإِحْسَانِ»^۳ مجازات سه گناه در این دنیا قبل از جزای جهان آخرت خواهد بود: ۱. نافرمانی و آزار والدین؛ ۲. ستم بر مردم؛ ۳. بدی در مقابل احسان.»

۶. فقر مادی و معنوی

گناه، یکی از عوامل مهم فقر است.^۴ گناه علاوه بر اینکه موجب کاهش و قطع رزق و روزی می شود، اعمال نیک را هم از بین می برد. از این رو، گناهکار به فقر مادی و معنوی دچار می شود.

۱. عبدالکریم پاکنیا، پدر - مادر، شما را دوست دارم، ص ۲۳۴.

۲. شهریار، دیوان شهریار، ج ۱، ص ۷۹.

۳. مفید، امالی، ص ۲۳۷.

۴. فقر مادی، عوامل دیگری غیر از گناه نیز دارد و به طور مطلق نمی توان گفت هرکس فقیر است، گناهکار است.

حضرت رسول ﷺ فرمود: «اتَّقُوا الذُّنُوبَ فَإِنَّهَا مَمْحَقَةٌ لِلْخَيْرَاتِ؛ از گناهان دوری کنید که گناه، نیکی‌ها را از بین می‌برد.» بعد، حضرت در ادامه به سایر پیامدهای شوم گناه پرداخت و فرمود: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيُمْنَعُ بِهِ مِنْ قِيَامِ اللَّيْلِ وَإِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيُحْرَمُ بِهِ الرِّزْقَ وَقَدْ كَانَ هَنِيئًا لَهُ؛ آدمی گناهی می‌کند و در اثر آن از خواندن نماز شب باز می‌ماند و گناه موجب می‌شود که انسان از روزی محروم گردد؛ در حالی که زندگی برایش گوارا بوده است.»

بنابراین، یکی از پیامدهای گناه، پوچ‌شدن اعمال نیک است. در قرآن کریم، ۱۶ بار سخن از «حبط اعمال» به میان آمده و از مجموع آنها استفاده می‌شود که گناهان بزرگی چون: کفر، شرک، تکذیب آیه‌های الهی و انکار معاد، موجب از بین رفتن اعمال نیک می‌شود و انسان از لحاظ معنوی به فقر مبتلا می‌گردد.

علی بن یقطين و جبران لغزش

علی بن یقطين، وزیر هارون الرشید، از دوستان اهل بیت عليه السلام بود و مخفیانه از طرف امام کاظم عليه السلام اجازه داشت که در مقام وزارت دستگاه هارون باشد و به مسلمانان خدمت کند. روزی یکی از شیعیان به نام ابراهیم شترچران، از برای حاجتی نزد علی بن یقطين رفت؛ ولی مقام وزارت باعث شد که علی بن یقطين به ابراهیم توجه نکند و اجازه ورود به او ندهد. سال‌ها بعد، علی بن یقطين عازم حج شد و در این سفر به مدینه، به در خانه امام کاظم عليه السلام رفت؛ ولی امام به او اجازه ورود نداد. او هرچه تلاش کرد، موفق نشد که به محضر امام برسد. سرانجام در بیرون خانه با حضرت ملاقات کرد و علت بی‌اعتنایی ایشان را پرسید. امام کاظم عليه السلام به او فرمود: چرا در فلان روز به ابراهیم ساربان بی‌اعتنایی کردی و اجازه ورود به او ندادی؟ به دلیل این گناه، خداوند حج تو را قبول نمی‌کند؛ مگر اینکه ابراهیم را راضی کنی. علی بن یقطين به کوفه وارد شد و به منزل ابراهیم رفت و در نزد ابراهیم، صورتش را روی خاک زمین گذاشت و ابراهیم را سوگند داد که پای خود را روی صورتش بگذارد. ابراهیم پا به صورت علی بن یقطين گذاشت و می‌گفت: «اللَّهُمَّ اشْهَدْ؛ بارالها تو شاهد باش!» و به این ترتیب، از ابراهیم رضایت گرفت. آن‌گاه به مدینه بازگشت و به محضر امام کاظم عليه السلام رسید. امام اجازه ورود به او داد و از این عمل علی بن یقطين تقدیر کرد.^۲

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۳۷۷.

۲. شیخ عباس قمی، کلیات مفاتیح الجنان، باب سوم در زیارات، فصل اول: آداب زیارت.

۷. تسلط ستمگران

برخی از گناهان موجب می شود که حاکم ظالم و یا انسان شروری بر مردم مسلط شود. مهم ترین گناهی که موجب تسلط حاکمان ستمگر می شود، عدم اطاعت از اهل بیت علیهم السلام و ترک امر به معروف و نهی از منکر است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «إِذَا لَمْ يَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَلَمْ يَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلَمْ يَتَّبِعُوا الْأَخْيَارَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ شِرَارَهُمْ فَيَدْعُو خِيَارَهُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ؛^۱ [امت من] هرگاه امر به معروف و نهی از منکر انجام ندهند و از اهل بیت گزیده من پیروی نکنند، خداوند اشخاص شرور و ستمگر ایشان را بر آنان چیره می کند و در آن حال، اگر نیکان ایشان هم دعا کنند، مستجاب نمی شود.»

۸. عذاب آسمانی

آیات متعدد قرآن، از فرجام شوم اهل معصیت خبر می دهد. دهها آیه در مورد آثار و کیفر گناه در دنیا وجود دارد؛ از جمله: «فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ»^۲ بر ستمگران، به جهت نافرمانی، عذابی از آسمان فرستادیم.»

این هشدار، مخصوص بت پرستان زمان قدیم نیست؛ امروزه هم قرآن به دنیاداران ثروتمند که بر اثر رفاه از باده غرور سرمست شده اند، هشدار می دهد وضع گذشتگان را فراموش نکنید که چگونه بر اثر گناه، همه چیز خویش را از دست دادند. مطالعه عواقب دردناکی که بر اثر کفر و بیدادگری، طومار زندگانی اقوام پیشین را در هم پیچید، برای همگان درس عبرت است.

۹. نگرانی و اضطراب

مهم ترین عامل نگرانی و اضطراب بشر، اطاعت نکردن از دستورات الهی است. آرامش اهل ایمان نیز عمل صالح و اطاعت از خدای متعال است. قرآن کریم در این باره می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ... لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۳ کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، ... نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می شوند.»

۱۰. ناامیدی و حرمان

یکی دیگر از پیامدهای گناه، ناامیدی است؛ جهنم سوزانی که گاهی عامل به آتش کشیده شدن

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۷۴.

۲. سوره بقره، آیه ۵۹.

۳. سوره بقره، آیه ۲۷۷.

تمام هستی انسان و نابودی سعادت ابدی او می‌شود؛ چراکه برخی افراد برای رهایی از این بن‌بست، دست به خودکشی و یا جنایات دیگر می‌زنند. مهم آن است که شخص گناهکار هرگز نباید از رحمت الهی ناامید شود؛ زیرا در غیر این صورت، دیگر راهی برای نجات از گناه نخواهد داشت؛ بلکه باید همیشه به لطف و عفو خداوند امیدوار بود و از گناهان خویش توبه نمود. از این رو، خداوند فرمود: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»^۱ بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید، از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد؛ زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است.»

گویند مردی از بس گناه کرده بود، دیگر از رحمت و بخشش خدا ناامید بود. حضرت امیر مؤمنان علیه السلام خطاب به او فرمود: «ای مرد! مایوس شدن تو از رحمت خدا، از گناهی که مرتکب شده‌ای بدتر است.»^۲

۱. سوره زمر، آیه ۵۳.

۲. ملا احمد نراقی، معراج السعادة، ص ۲۰۰.